

دستبرد دزدان

به کلینیک ترک اعتیاد

تو کلی – تحقیقات پلیس برای دستگیری دزدان میلیونی کلینیک ترک اعتیاد دررفسنجان در حالی منجر به دستگیری سه سارق شد که در پی گزارش وقوع دزدی از کلینیک ترک اعتیاد، موضوع سرقت بلافاصله در دستور کار کارآگاهان تیم مبارزه با سرقت اما کن قرار گرفت. به گزارش خبرنگار ما، کارآگاهان پلیس برای بررسی بیشتر و تحقیقات مقدماتی به محل سرقت مراجعه کردند و با بررسی صحنه و انجام تحقیقات میدانی و گسترده به سرخ هایی در این زمینه دست یافتند. سرپرست فرماندهی انتظامی شهرستان رفسنجان با بیان این که باتکمیل تحقیقات سه سارق شناسایی و دستگیر شدند، اظهار کرد : این متهمان به سرقت تعداد زیادی از اموال و اقلام مورد استفاده در کلینیک ترک اعتیاد به ارزش ۷۰۰ میلیون ریال و فروش آن ها به دو مالخر اعتراف کردند . سر هنگ محمد مهدی کریمی" افزود: این دو متهم شناسایی و در چنگال قانون گرفتار شدند و اموال مسروقه نیز به این واحد برگشت داده شد. این مسئول انتظامی از کشف یک عدد مهر پزشکی و یک دست لباس انتظامی از سارقان خبر داد و خاطر نشان کرد: همه این متهمان با تشکیل پرونده به مرجع قضایی تحویل شدند.

دستگیری عامل اصلی نزاع

در فروشگاه زنجیره‌ای کرمان

تو کلی – عامل اصلی نزاع و درگیری در فروشگاه زنجیره ای در کرمان دستگیر شد. به گزارش خبرنگار ماسر هنگ " زاهدی" گفت: در پی یک نزاع و درگیری دسته جمعی در بیست و هفتم آبان ماه اسال توسط عدّه‌ای از جوانان که استفاده از سلاح سرد در مقابل یکی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای در شهر کرمان که منجر به تخریب فروشگاه، ایجاد رعب و وحشت بین مردم و درگیری با مأموران شده بود، موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران پلیس امنیت عمومی قرار گرفت. وی افزود: در بررسی های صورت گرفته مشخص شد سه نفر از جوانان با هدایت عامل اصلی در مقابل این فروشگاه، اقدام به یک نزاع دسته جمعی و قدرت نمایی با سلاح سرد کرده بودند که این دعوا به داخل فروشگاه کشیده شده و منجر به ایجاد رعب و وحشت در بین مردم و سر انجام تعطیلی فروشگاه می شود. این مسئول انتظامی تصریح کرد: با اقدام ضربتی مأموران کلانتری ۱۶ شهر کرمان، سه نفر از عاملان نزاع و درگیری بلافاصله در همان محل دستگیر و تحویل مرجع قانونی شدند و عامل اصلی موفق به فرار نشد. وی خاطر نشان کرد: مخفیگاه این متهم که بیش از یک ماه متواری و تحت تعقیب پلیس بود با اقدامات اطلاعاتی در یکی از خیابان های شهر کرمان شناسایی و با اقدام ضربتی و حکم قضایی ، متهم در مخفیگاهش دستگیر و به پلیس امنیت عمومی منتقل شد.وی اضافه کرد: با اعتراف صریح متهم، پرونده برای سیر مراحل قانونی در اختیار مقام قضایی قرار گرفت.

سقوط بالا بر پارکینگی خودرو ۲ مجروح به جا گذاشت



عکس ها از آتش نشانی

افسر نگهبان آتش نشانی شهر مشهد از امدادرسانی آتش نشانیان و نجاتگران دو ایستگاه آتش نشانی به سانحه دیدگان سقوط بالا بر پارکینگی خودرو در یک مجتمع مسکونی در خیابان احمدآباد این شهر خبر داد. به گزارش روابط عمومی و امور فرهنگی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری مشهد، سر آتشیار مرتضی باقری با بیان این مطلب گفت: در پی تماس شهروندان با سامانه ۱۲۵ مبنی بر سقوط بالا بر پارکینگی خودرو و در نفر در یک مجتمع مسکونی ، ستاد فرماندهی با توجه به حساسیت موضوع بلافاصله گروه نجات و پشتیبانی ایستگاه‌های ۳ و ۴۰ آتش نشانی مشهد را به محل حادثه در خیابان ابودرغفاری اعزام کرد. این مقام مسئول در آتش نشانی مشهد افزود: در حضور نجاتگران و آتش نشانان در محل مشخص شد، بالا بر پارکینگی خودرو در یک مجتمع مسکونی شش طبقه هنگام تست نهایی قبل از بهره برداری، روی دو کارگر نصاب آن سقوط می کند و منجر به

فشی حج واجب و عمره

خرید – فروش – نقدی

تیش معلم ۱۳ – یلاک ۱

۶۹ – ۱۱۶۸ ۴۵۱ ۰۹۱۵

۰۹۱۱۵۳۶۲

انواع کاپشن

۱۲۹ هزار تومان

کت و شلوار ۱۲۹. شلوار لی و کتان ۶۹ تومان

شلوار پروزی، شلوار رتوی، یی رتوی ۸ و ۱۰ فروشگاه تولیدی **بزرگبیر**

۰۹۸۲۷۵۸

سجاد پور – جسد متهم به قتل فراری که از پنج روز قبل تحت تعقیب پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار گرفته بود، در حالی روی دکل برق فشار قوی در کوه‌های معروف به قله زودر مشهد کشف شد که با قفل وزنجیر و طناب خود را به دار آویخته بود! به گزارش اختصاصی خراسان، ماجرای این پرونده جنایی از حدود ساعت ۲۱ شب ششم دی زمانی لورفت که مأموران انتظامی از طریق تماس های مردمی در جریان قتل مرد جوانی در طبقه اول یک واحد آپارتمانی در بولوار فارغ التحصیلان مشهد قرار گرفتند و عازم نشانی مذکور شدند. مأموران کلانتری با دیدن جسد خون آلود مرد ۲۶ ساله‌ای که کف اتا قرار داشت، به حفظ صحنه جنایت پرداختند و ماجرا را به قاضی ویژه قتل عمد مشهد اطلاع دادند. دقایقی بعد با حضور قاضی کامل میرزایی در محل کشف جسد، بررسی های قضایی آغاز شد. تحقیقات میدانی نشان می داد که مقتول «ی‌ص» نام داشت و در واحد آپارتمانی اجاره‌ای زندگی می کرد، این در حالی بود که همسر مقتول به همراه نوزاد تازه متولد شده اش در منزل پدرش حضور داشت و هنگام وقوع جنایت



تصویر بر خودکشی قاتل با قفل و زنجیر در محل کشف جسد

مرد ۲۶ ساله در خانه تنها بود! دو پتوی خون آلود و اصابت تیغه چاقو به گردن مقتول، دهن قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد را با فرضیه های گوناگونی روبه رو ساخت اما و بدین ترتیب ادامه بررسی ها به شهر ک شهید

الناز و سارا آخرین پازل سرقت ۲۴ کیلو طلا در اکباتان

رئیس پلیس آگاهی پایتخت از دستگیری سارقان مغازه طلافروشی شهرک اکباتان خبر داد. به گزارش رکتنا، سردار علیرضا لطفی گفت: با تأیید خبر اولیه سرقت در ساعت ۲۲:۳۰ چهاردهم شهریور ماه توسط مأموران کلانتری، موضوع بلافاصله به کارآگاهان اداره هفدهم ویژه مبارزه با سرقت‌های خاص پلیس

در این میان باز هم تجربه قضایی به یاری قاضی ویژه قتل عمد آمد و این گونه نحوه ورود قاتل به منزل، تنها سر نخ مهمی بود که مورد کنکااش های قضایی قرار گرفت. بررسی های اولیه بیانگر آن بود که قاتل با مقتول آشنا بوده و بدون هیچ مشکلی وارد منزل شده است! این در حالی بود که هیچ یک از اطرافیان مقتول از ارتباط مرد ۲۶ ساله با فردی غریبه اطلاع نداشتند به همین خاطر شیوه تحقیقات با صدور دستورات محرمانه‌ای از سوی قاضی میرزایی تغییر کرد به موضوعات اجتماعی کشید. گزارش خراسان حاکی است، بررسی دور بین های مدار بسته اطراف محل جنایت، حکایت از آن داشت که هنگام پارک خودرو توسط مقتول در نقطه ای ال مانند، فرد سیاه پوشی نیز از سمت شاگرد پیاده شده است که قیافه ای جوان دارد. از سوی دیگر با راهنمایی های قاضی ویژه قتل عمد، دامنه تحقیقات محرمانه کارآگاهان از طریق پیامک های ارسالی و بررسی محتویات تلفن همراه مقتول به سوی جوانی کشیده شد که از حدود یک سال قبل با وی در شبکه های اجتماعی فضای مجازی در ارتباط بود و از مدتی قبل دیگر نیز مناطقی مانند جعفری، کاهو... مورد کنکااش های پلیسی قرار گرفت که احتمال می رفت سر نخ آخر از متهم فراری به دست آید ولی باز هم نتیجه‌ای حاصل نشد! بنابر این گزارش، در حالی که بررسی های کارآگاهان با نظارت مستقیم سر هنگ «محمد رضا غلامی ثانی» (رئیس اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی) وار در صدهای اطلاعاتی شده بود، روز گذشته دوتن از کارگرانی که مشغول به نال کار ی در اطراف تپه های قله زو بودند، ناگهان با جسد حلق آویز جوانی روبه رو شدند که خود را با طناب و قفل وزنجیر از دکل برق فشار قوی به دار آویخته بود! آن ها که با مشاهده این صحنه وحشت زده شده بودند، بلافاصله موضوع را به پلیس گزارش دادند. دقایقی بعد نیروهای کلانتری شهرک ناجا بعد از طی مسافتی طولانی به مکانی رسیدند که جسد حلق آویز در آن جاقرار داشت. آن هاموضوع را به نیروهای امدادی آتش نشانی و قاضی ویژه قتل عمد اعلام کردند و این گونه بود که امدادگران آتش نشانی از ایستگاه ۷ مشهد عازم کوه های «قله زو» شدند و پس از



پیامدون مسیرهای صعب العبور، تلاش خود را برای پایین آوردن جسد جوان ۲۸ ساله آغاز کردند. باتوجه به این که زنجیر با دو قفل آویز بسته شده بود، بعد از جست و جوی جیب های متوفی کلیدهای آن به دست آمد و مشخص شد که این جوان ۲۸ ساله قفل وزنجیر و طناب را به تازگی خریده است. بنابر گزارش خراسان، چند دقیقه بعد وقتی قاضی کاظم میرزایی از خودرو در محل کشف جسد پایین آمد و چشمش به جسد افتاد، بلافاصله او را شناخت چرا که جوان ۲۸ ساله همان «محمد ر» قاتل تحت تعقیب بود! به همین خاطر بررسی ها در این باره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. تحقیقات مقدماتی نشان می داد که حدود ۴۸ ساعت از مرگ این جوان در بالای دکل برق فشار قوی می گذرد!

بنابر این با دستور مقام قضایی، نیروهای زحمتکش آتش نشانی، تلاش خود را برای پایین آوردن جسد در حالی ادامه دادند که چندین نفر از امدادگران با تجهیزات کامل به بالای ک کل رفتند و به آرامی جسد را داخل تابوت گذاشتند! گزارش خراسان حاکی است، در کیف همراه متوفی که در پایین دکل قرار داشت نیز بطری آب و یک نیمه خورده ای کشف شد. بررسی های ویژه قضایی در این باره با صدور دستوراتی از سوی قاضی میرزایی و توسط کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی همچنان ادامه دارد تا زوایای پنهان این جنایت روشن شود.

در همان لحظات اولیه به سرقت طلاها معترف شد، افزود: وی در اعترافش گفت که پس از سرقت به مشهد گریخت و با دو خانم به نام‌های الناز و سارا، هر دو ۲۸ ساله آشنا شدم و به واسطه این دو خانم توانستم طلاهای سرقتی را به دو مالخر به قیمت کمتری از قیمت واقعی بفروشم و با پول آن یک دستگاه خودروی سوناتا و یک آپارتمان به ارزش ۴۰۰ میلیون تومان خریدم و بقیه را صرف خوش گذرانی کردم.

ویژه

انتصاب مدیران کل دفاتر امور "بانوان و خانواده" و "برنامه ریزی، نوسازی و تحول اداری" استانداری قم

مدیران کل دفاتر امور "بانوان و خانواده" و "برنامه ریزی، نوسازی و تحول اداری" استانداری قم منصوب شدند.

به گزارش روابط عمومی استانداری قم، بهرام مرستت استاندار قم در احکامی جداگانه، هادیفه صدیقی علی زاده را به سمت مدیر کل دفتر امور بانوان و خانواده و آسانه زمام مهر را به سمت مدیر کل دفتر برنامه ریزی، نوسازی و تحول اداری استانداری قم منصوب کرد.

اجرای طرح سیستم مدیریت بل‌ها (BMS) در سطح راه‌های استان قم

قم، مورد بررسی و بازدید قرار گرفتند. عباس شکوری، رئیس اداره نگهداری آینه راه‌های راه‌های و حمل و نقل جاده‌ای استان قم افزود: این طرح در راستای تهیه فرم بازرسی و شناسایی فنی (چک لیست) از بل‌ها و آبروها، در سطح راه‌های استان قم به اجرا در آمده است. وی ادامه داد: تاکنون ۱۲ پروژه افزون بر ۲۰۰۰ دستگاه بل و آبرو از آبرها و ۱۲۰۰ پروژه‌های احوالاتی استان قم بررسی و نسبت به اجرای طرح سیستم مدیریت بل‌ها (BMS) در خصوص آنها اقدام شده است. شکوری در خصوص نحوه اجرای این پروژه از طریق بازدید از نقاط حادثه‌خیز، طرح‌های ایمنی و با همکاری کارشناسان بل و آینه سفر آفره کل منطقه و ادارات شهرستان نامه در باز زمانی پناه شده به اجرا گذاشته و فراموشی خاطر نشان ساخت: ما عایت به ضرورت بازباید اداری بل و آینه سفری راه‌ها و در راستای اجرای این طرح، گشت بازرسی بل در اداره کل راه‌داری و حمل و نقل جاده‌ای استان قم تشکیل شده است. وی در خصوص مشخصات فنی طرح سیستم مدیریت بل (BMS) افزود:

عیادت خادمان مسجد مقدس جمکران از جانبازان مدافع حرم

بنا بر این حضور مدافعان حرم اکنون نیز برای جلوگیری از توطئه‌های آنها ضروری است. کاروان خادمان مسجد مقدس جمکران و قم با هدایای گل، شیرینی، پرچم متبرک به نام اسلام زمان (عج) و بسته‌های تریک مسجد جمکران از جانبازان و پرستاران این ایستگاه تحویل گرفته‌اند. حجت الاسلام حسین آبادی با اشاره به مقام و منزلت شهدا گفت: شش یکی از نوسان خواب دید که آقا امام زمان (عج) فرموده‌اند که مسجد جمکران به شهدایی است که به این مسجد می‌آورند و مزه‌آورین در شهید را به شما می‌دهم که مورد تکریم من هستند. از این استقبال ویژه کنید. این فرد بعد از اینکه از خواب بیدار شد، نزد من آمد و خطاب به من گفت: حاج آقا آواز آتش شید به مسجد بازگرد. گفتند: به مسجد بازگرد. یکی از جانبازان ایستگاه شهید همدانی خطاب به حجت الاسلام حسین آبادی گفت: یکی از نوسان‌دهندگان که مجروح شده و روی زمین افتاده بود نطق‌ای خالص حضرت زین‌العابدین را دید که از جانبازان و مدافعان حرم که در آنجا بودند پرستاری می‌کرد. پرسیدم: خلع چه می‌کنید؟ ایشان گفت: از مریدان و جانبازان پرستاری می‌کنم و این وظیفه‌ام است.

این جانباز در فاصله گفت: فرامده ما سردار سلیمانی بود که به ما گفت: منطقه را فتح کنید و از نیروی مقاومت ما خبری رسانی بود. حجت الاسلام حسین آبادی بیان کرد: ما همیشه افتخار مریدانی مدافعان حرم و جانبازان مدافعان حرم را دانشجو و استوار و سولیم همیشه به این عزیزان خدمت کنیم.

در ادامه نیز کاروان خادمان مسجد مقدس جمکران از قسمت‌های دیگر ایستگاه‌های شهید همدانی بازدید کردند.

۰۹۸۲۷۵۸۰

حوادث



ماجرای خودکشی قاتل فراری روی دکل

در امتداد روشنایی

رودخانه‌ای در کویر!

بزرگ ترین اشتباه دوران زندگی ام این بود که در انتخاب دوست دقت نکردم و با افراد ناباب همنشین شدم. روزی که در جمع آن ها اولین سیگار را به دست گرفتم هیچ گاه قصد نداشتم روزی یک معتاد الکی شوم، فقط می خواستم در جمع لوطی ها کم نیآورم و بی صدافریاد بزنم که «ما هم بدلیه!»

مرد ۳۷ ساله افغانستانی که حدود ۹ سال روزگاری بدون دودو الکل را سپری کرده است، با بیان این جملات در تشریح ماجراهای روزگار تلخ خود گفت: هشت ساله بودم که برای دومین بار به همراه خانواده ام از افغانستان راهی ایران شدیم و در اردوگاه تربت جام (مهمان شهر) اقامت کردیم. از همان دوران کودکی شر و شور عجیبی داشتم و همواره ادای آدم های بزرگ را در می آوردم. از این جمله که «تو هنوز بچه‌ای» متفر بودم و برای آن که به دیگران ثابت کنم بزرگ شده ام دست به هر کاری می زدم اگر چه در خانواده ای نسبتاً فقیر رشد کرده ام اما به خاطر این که تک پسر و فرزند ارشد خانواده بودم، خودم را از ادتر حس می کردم به طوری که در معاشرت با دوستانم سعی می کردم یک سر و گردن بالاتر باشم و چیزی از آن ها کم نیآورم. در همین دوستی ها ابتدا با سیگار آشنا شدم و بعد از آن هم یک های الکل را یکی بعد از دیگری بالا بردم! خوب به خاطر دارم اولین باری که در جمع دوستانم استکان حاوی الکل را سر کشیدم یکی از آن ها با دیدن سوزش گلویم به تمسخر گفت: تا به حال عرق خورده ای؟ با این جمله خیلی ناراحت شدم و در حالی که خشمم را پنهان می کردم گفتم: حداقل به اندازه موهایی سرت عرق خورده ام! طولی نکشید که به خاطر همین رفیق بازی ها و مصرف مشروبات الکی در س هایم به شدت افت کرد و مجبور به ترک تحصیل شدم. پدرم نیز مرا به مشهد آورد تا در کنار او کار کنم. وقتی از آن فضای محدود به محیطی مانند مشهد پا گذاشتم و اتاق های مجردی محل کارم را با افراد گوناگون و انواع و اقسام مواد مخدر دیدم مانند فرد تنگونی ای بودم که در کویر سوزان رودخانه ای خروشان ریاخته است!

مانند کودکی بودم که برای خوردن شیرینی در یک شکلات فروشی را ها شده باشد، خلاصه در اتاق های مجردی سنگبری خیلی زود با تریاک آشنا شدم و احساس می کردم دوران طلایی زندگی ام آغاز شده است. مادرم که بویی از ماجرا برده بود مدام هشدار می داد که مواظب باش مانند دایی و عمویت معتاد نشوی! ولی من با اعتماد به نفس بالا می گفتم من مانند آن ها بی عرضه نیستم! حواسم هست، نگران نباش. ناگفته پیداست که بالاخره همین غرور زیاد کار دستم داد و مرا بهای اعتیاد و بدبختی را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشتم. گاهی برای ترک اعتیاد خودم را به آب و آتش می زدم تا به دیگران ثابت کنم که من معتاد نیستم اما این دوره های کوتاه مدت دوام چندانی نداشت، فقط خودم را توجیه می کردم که می توانم پاک بمانم، پس من معتاد نیستم!

این روند سال ها طول کشید و من هر بار جایگزینی برای مواد مخدر انتخاب می کردم. زمانی با الکل، گاهی با قمار، گاهی با ورزش و روزگاری هم با عشق و عاشقی سعی می کردم از مواد مخدر فاصله بگیرم اما همه این ها با شکست روبه رو می شد. خلاصه ۱۵ سالی و بهترین روزهای جوانی ام را غرق در بی پولی و بدبختی و ناامیدی بودم زیرا به خاطر اعتیاد و در اوج مصرف مواد مخدر کسی حاضر نبود مرا استخدام کند. بیکاری و بیچارگی ام به جایی رسید که دیگر حتی با خداینز قهر کردم که چرا مرا یک مهاجر افغانی خلق کرده است! تا این که بالاخره در میان این همه تنهایی و بدبختی اتفاق زیبایی بر ایام رخ داد. یک روز زمستانی در سال ۸۹ بود که در خیابان توس ۸۲ افرادی را دیدم که عاشانه یکدیگر را در آغوش می کشند و وارد مکانی می شوند که نام آنجنم را بر آن گذاشته اند. به خاطر کنجکاوی در آن اطراف پرسه زدم تا این که یکی از هموطنانم را دیدم از او درباره آنجنم الکی های گمنام پرسیدم. او هم گفت: این جا با حرف زدن مواد مخدر را ترک می کنند و همه این افراد روزگاری معتاد بوده اند! باورم نمی شد، در میان همین شک و تردیدها دسّم را گرفت و مرا به دوستانش معرفی کرد. این ها طوری مرا در آغوش کشیدند و خوشامد گفتند که همه عمر آرزو داشتم روزی پدرم این گونه مرا در آغوش بگیرد. سکوت زیبایی در آن جلسه حکم فرما بود و به تاز و واردها خوشامد می گفتند. نمی دانم چه حسی درونم را می لرزاند که ناخودآگاه من هم دستم را بالا بردم و خودم را یک الکی معتاد معرفی کردم، اگر چه برخی از دوستانم معتادم مرا مسخر می کردند اما از آن روز به بعد قدم در دنیای دیگری گذاشتم و ۱۸ ماه بعد از دواج کردم. اکنون نیز دختری پنج ساله دارم و حدود ۹ سال از آن روز می گذرد، من هنوز یک انجمنی گمنام هستم و ...

ماجرای واقعی با همکاری روابط عمومی انجمن الکلی های گمنام